در تاريخ ۱۳ آبان ۱۳۸۵
مكاسب محرمه/اعيان نجسه

جلسه 12

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدلله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بيع مسكر جامد

آيا همانطوری كه از ادله استفاده كرديم بيع مسكر مايع بقصد الاسكار حرام است هم به حرمت تكليفيه و هم به حرمت وضعيه، آيا مسكر جامد هم همينطور است يا خير؟ بيان كرديم كه فارق اصلی بين مسكر مايع و جامد اين است كه مسكر مايع مثل خمر عنوان نجاست دارد اما مسكر جامع عنوان نجاست ندارد. اما طبق مباحثی كه ما مخصوصا در سال گذشته عنوان كرديم گفتيم كه خود نجاست بماهی نجاسة ، مانعيت از بيع ندارد، بلكه اگر يك منفعت محلله‌ای بر او مترتب باشد بيعش صحيح است.

دليل اول بر حرمت بيع مسكر جامد

يك دليل را برای اينكه مسكر جامد مثل مسكر مايع هست در بحث گذشته خوانديم كه همان مراجعه به اهل لغت بود و جواب آن را هم ذكر كرديم . دليل دوم تنزيلات يا تعميماتی است كه در روايات آمده است. مثلاً در روايتي كه در جلد ششم كافی ، صفحه 408 است مي فرمايد: «كل مسكر خمر» يا روايت ديگر كه از پيامبر(ص) در كتاب الاطعمه و اشربه وسايل ، باب 15 از ابواب اشربه محرمه ، حديث اول ، كه فرموده است «كل مسكر حرام» يا در صحيحه فضيل بن يسار: «قال ابتدأني ابو عبدالله(ع) يوما من غير ان أسأله» می‌فرمايند يك روز امام صادق(ع) بدون اين كه من سؤالی كنم با من شروع به سخن كرد، امام صادق(ع) فرمودند، قال رسول الله(ص) كل مسكر حرام قلت اصلحك الله كله؟ فضيل بن يسار باز به امام عرض مي كند كه تمام مسكرات را می‌فرماييد؟ قال نعم، الجرعة منه حرام ، يك جرعه از آن هم عنوان حرام را دارد.

بيان استدلال به روايت

استدلال به اين روايات برای اين است كه در اين روايات يك تنزيلی واقع شده است ، يعنی و لو از نظر لغت به هر مسكری خمر گفته نشود و يك فرد خاصی از مسكرات عنوان خمر را داشته باشد ، اما در اين روايات تنزيل و تعميم داده شده است فرموده اند ، «كل مسكر خمر» ، آيا شارع می‌تواند چنين كاری كند، كه و لو از نظر عرفی و لغوی يك چيزی خمر نباشد و اگر عرف و لغت به يك چيز خاصی خمر گفتند، آيا شارع می‌تواند توسعه بدهد كما اينكه می‌تواند تضييق كند، چنانچه در اين روايات توسعه داده و فرموده «كل مسكر خمر»؟ روشن است كه اين تعميم و اين كه هر مسكری نازل منزله خمر است ، شارع نمی‌خواهد در حقيقت خمر تصرف كند، حقيقت خارجی و تكوينی خمر قابليت تصرف ندارد ، بلكه می‌خواهد حكم را سرايت دهد، «كل مسكر خمر» يعني هر حكمی كه خمر دارد شامل كل مسكر هم می‌شود، اگر در خمر گفتيم كه خوردن خمر بقصد الاسكار حرام است

نتیجه این می‌شود که خوردن کل مسکر هم به قصد اسکار حرام است. اگر در خمر ما گفتیم بیع آن هم حرمت تکلیفیه و هم حرمت وضعیه دارد ، «کل مسکر» نیز هم حرمت تکلیفیه وهم حرمت وضعیه دارد.

آن وقت بگوییم تمام احکام خمر، اعم از خوردن و حرمت تکلیفیه و وضعیه ، شامل همه مسکرات می‌شود چه مسکرات مایعه و چه مسکرات جامده. این بیان استدلال به این روایت، که ما بگوییم در این روایت اولاً «کل مسکر» هم شامل مسکرات مایعه مي شود و هم شامل جامده. و بعد بگوییم این تنزیل به خمر ، در همه احکام است . نتیجه این می‌شود که اگر معامله خمر ، حرمت تکلیفیه و حرمت وضعیه دارد ، در مسکرات جامده هم همینطور است . آیا این استدلال صحیح است یا خیر؟

نقد استدلال به روایت

به نظر ما این استدلال مخدوش است . اولین وجه مخدوشیت این است ، این کلی را من عرض می‌کنم در خیلی جاهای فقه مورد استفاده قرار می‌گیرد ؛ ما در این که شارع مقدس می‌تواند چیزی را نازل منزله چیز دیگری قرار دهد ـ فی جمیع الاحکام او فی بعض الاحکام ـ این ثوبتاً امکان دارد ، اما آیا ما می‌توانیم از هر تنزیلي، عمومیت استفاده کنیم یانه؟ یك مثالی که در آن نکات زیادی دارد مثل این که شارع فرموده «الطواف بالبیت صلاة»، می‌گوید طواف کعبه در حکم صلات است . فقها می‌گویند کما این که صلات مشروط به طهارت است پس طواف هم مشروط به طهارت است . از این روایت ، طهارت را استفاده می کنند.

آیا غیر از این شرطییت طهارت، مسایل دیگر را هم می‌توانیم استفاده کنیم؟ مثلاً در باب صلات ما می‌گوییم که «من تخوم الارض الی عنان السماء» عنوان کعبه را دارد ، اگر کسی یك کیلومتر زیر زمین برود ، اگر محاذی با کعبه بایستد آن قبله او است و اگر ده کیلومتر بالا برود و محاذی با قبله بایستد آن عنوان قبله را دارد ـ همین جا این نکته را عرض کنم که گاهی اوقات بعضی از فضلا ذکر می‌کنند که این مربوط به تمام مساجد است که هر مسجدی هر طور ساخته شد این «من تخوم الارض الی عنان السماء» عنوان مسجدیت را دارد. خیر، این تعبیر فقط راجع به کعبه است و راجع به آن کعبه‌ای است که در مسجد الحرام واقع شده است ـ حالا آیا ما می توانیم از «الطواف بالبیت صلاة» یك چنین حکمی استفاده کنیم، همانطوری که صلاة در 10 کیلومتری در بالا محاذی با کعبه صحیح است، طواف آنجا هم محاذی با کعبه صحیح است یانه؟ ـ در یك جزوه‌ای که در سال گذشته نوشتیم این بحث را مفصل مطرح کردیم ـ گاهی اوقات در بعضی از تنزیلها فقهاء می گویند ما عموم تنزیل را استفاده می‌کنیم ، گاهی اوقات قرینه داریم که از آن عموم تنزیل استفاده می شود.

در همین «الطواف بالبیت صلاة» هم قرائنی داریم ، مثل شهید و بعضی از فقهاء دیگر می‌گویند از این روایت عموم تنزیل را استفاده می‌کنیم الا ما خرج بالدلیل، یعنی این خودش یك عامی است بعداً هم اگر تخصیص خورد مانعی ندارد. اما اگر ما شك کنیم، اگر در شریعت یك تنزیلی شده و شارع فرموده است «کل مسکر خمر» ، ما نمی‌دانیم آیا شارع در این عبارت عموم تنزیل را اراده کرده است؛ یعنی «کل مسکر خمر فی جمیع الاحکام» یا این که فقط در یك جهتی تنزیل را اراده می‌کند.

ظاهر این است که نمی‌توانیم به ظاهر قضیه استناد کنیم و بگوییم ظهور در عموم دارد ، «الطواف بالبیت صلاة» اگر قرینه در کار نباشد و ما شك کنیم ، باید حمل بر مورد متیقن کنیم، اگر شارع فرمود «الطواف بالبیت صلاة» و ما در مقدار تنزیل شك داشتیم ، می‌گوییم فقط در همان باب طهارت است ، کما اینکه صلاة محتاج به طهارت است طواف هم محتاج به طهارت است. در مانحن فیه در «کل مسکر خمر» شك می‌کنیم، فرض این است که قرینه بر عموم تنزیل نداریم، شك می‌کنیم آیا «کل مسکر خمر فی جمیع احکام الخمر أو فی بعض احکام الخمر» اینجا باید به مقدار متیقن اکتفا کنیم و قدر متیقن حرمت ، شرب آن است، کما اینکه شرب خمر حرام است ، شرب هر مسکری حرام است . این جواب اول از این دلیل . پس جواب اول این است

که اینجا شك داریم که آیا تنزیل در عموم هست یانه؟ قدر متیقن‌گیری مي کنیم، قدر متیقنش این است که فقط تنزیل در جهت حرمت شرب است.

نقد دوم

جواب دوم این است که اگر فرض کنیم که این روایت هم عموم تنزیل دارد، یعنی اگر کسی گفت ما اگر شك کنیم متکلم در مقام بیان من جمیع الجهات هست یا نه؟ می‌گوییم با توجه به «اصالة کونه فی مقام بیان عموم التنزیل» عموم تنزیل استفاده می‌شود ، اما اشکال دوم این است که از کجا مي گویید «کل مسکر» هم شامل مایعات است و هم شامل جامدات؟ در خود این روایات یك قرائنی وجود دارد که این مسکر یعنی مسکر مایع ، مثلا همین روایتی که از صحیحه فضیل بن یسار خواندیم، در آنجا امام(ع) می‌فرماید «نعم الجرعة منه حرام» ، یك «جرعه»، «جرعه» در جامدات نمی‌آید، «جرعه» فقط در مایعات است. پس در خود این روایات قرینه وجود دارد که این «کل مسکر» یعنی «کل مسکر مایع» دیگر شامل جامدات نمی‌شود.

قرینه دیگر این است که همین فضیل بن یسار یك روایت دیگری در همین باب از امام صادق(ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود «حرم الله الخمر بعینها» ، خداوند خمر را خداوند به عینها، یعنی بعنوان انما الخمر و المیسر تحریم فرموده است ، «و حرم رسول الله المسکر من کل شراب» اصلاً در کافی یك بابی داریم بنام «تفویض النبی» برخی از واجبات که پیامبر(ص) معین و مقرر فرموده‌اند، همین روایت هم دلالت دارد برخی از محرمات را هم پیامبر مقرر فرموده‌اند، خداوند خود خمر را بعینها حرام کرده است و بعد می‌فرماید «و حرم رسول الله کل مسکر من کل شراب»، باز کلمه شراب دارد شراب و شرب در مایعات است. نفرمایید که آقا در باب دخان می‌فرمایند «شرب التوتون»، چرا که «شرب التوتون» یك اصطلاحی است که از نظر عرف داده شده است . شرب از نظر لغت مربوط به مایعات است . پس ببینید ما در خود این روایات قرینه روشن داریم که «کل مسکر» یعنی «کل مسکر مایع» این «الجرعة» و این روایت بعد ، قرینه خیلی خوبی است بر این که مراد فقط در مسکرات مایع است. پس جواب این دلیل هم روشن است.

دلیل سوم و نقد آن

یك دلیل دیگر هم که شبیه همین دلیل است در صحیحه علی بن یقطین در کتاب الاطعمه و الاشربه باب 19، از ابواب اشربه محرمه، حدیث یك و دو، مي فرماید «فما کان عاقبته عاقبة الخمر فهو خمر» یا در یك روایت دیگر دارد «فما فعل فعل الخمر فهو خمر»، در این روایات هم همان جوابی که از روایات قبلی دادیم وارد مي شود که ما از آنها نمی‌توانیم تنزیل در جمیع آثار را استفاده کنیم و از آنها نمی‌توانیم استفاده کنیم که حتی در غیر مایعات بلکه فقط در جامدات است.

موید نقد دو دلیل

مؤید بر نقد این روایاتی که «کل مسکر خمر» و «ما کان عاقبته عاقبة الخمر فهو خمر» که این تنزیل در جمیع احکام نیست ؛ این است که هیچ فقیهی نگفته است مسکر جامد نجس است و اگر کسی دست به تریاك یا هروئین زد این نجس نیست . پس این که می‌گوید «ما کان عاقبته عاقبة الخمر فهو خمر» معلوم می‌شود تنزیلی در نجاست نیست . الا این که بگویید این عمومیت دارد بعداً در کتاب النجاسة نجاست این تخصیص خورده است، مگر این که کسی این حرف را بزند آن وقت این مطلب مؤید قرار نمی‌گیرد . هذا تمام الکلام در بحث خمر.

اتمام بحث اعیان نجسه

بحث ما از سال گذشته تا حالا در اعیان نجسه بود. بحث اعیان نجسه تمام شد از حالا به بعد بحث ما در اعیان متنجسه است.

و صلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین.